



پرونده «جوان» از رکوردشکنی تاریخی کاهش نرخ رشد جمعیت و باروری در سال کرونايي

یک قدم تا صفر شدن نرخ رشد جمعیت ایران!

با ثبت نرخ رشد ۰/۶ درصد و نرخ باروری ۱/۶ کمترین نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری در طول تاریخ کشورمان در سال ۹۹ ثبت شد

انگار کرونا هم در کنار سایر عواملی که از سال‌ها پیش روند کاهش نگران کننده جمعیت کشور را رقم زده بود، موجب شد تا بحران کاهش جمعیت شدیدتر شود و در سال کرونايي ۹۹ بار رکوردشکنی تاریخی در نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری در کشور مواجه شویم. درحالی که سال ۹۸ با ثبت نرخ رشد ۰/۹۵ درصد برای نخستین بار نرخ رشد جمعیت کشورمان به زیر یک درصد رسید، طبق آخرین گزارش مرکز مطالعات راهبردی جمعیت در سال ۱۳۹۹ به نرخ رشد جمعیت ۰/۶ درصد سقوط

کردیم؛ این کمترین مقدار نرخ رشدی است که در تاریخ کشور ثبت شده است! در سال ۱۳۹۹ نرخ باروری کشورمان هم رکوردشکنی کرد و به کمتر از ۱/۶ فرزند به ازای هر زن رسید. ثبت چنین آماری در سالی که گذشت، کارشناسان حوزه جمعیت را نگران کرده؛ نگران گرفتاری نرخ باروری در تله باروری که موجب می‌شود دیگر نتوان این کاهش نرخ باروری و کاهش نرخ رشد جمعیت را جبران کرد. به عبارت دیگر انکار چند قدمی بیشتر با انقراض نسل و منفی شدن رشد جمعیت کشورمان

تغافل با تعدد چندین ساله برخی مسئولان کشور برای تغییر و بازنگری در سیاست‌های جمعیتی، آن هم با وجود تذکرات مکرر جمعیت‌شناسان و ورود و تذکرات چندین باره رهبر معظم انقلاب، موجب شده تا حتی زودتر از زمان پیش‌بینی شده به سمت رشد منفی جمعیت و انقراض نسلی پیش برویم. در این بین علاوه بر عوامل پیشینی همچون مسائل اقتصادی و فرهنگی، بالا رفتن سن ازدواج و تأخیر در فرزندآوری و رشد ناباروری‌های اولیه و ثانویه، کرونا هم به موضوع کاهش باروری و ترس و نگرانی خانواده‌ها از فرزندآوری اضافه شده و اگر سال ۹۸ برای نخستین بار نرخ رشد جمعیت کشور به زیر یک درصد رسید، سال ۹۹ با ثبت نرخ رشد ۰/۶ درصد کمترین نرخ رشد جمعیت در طول تاریخ کشورمان را ثبت کردیم تا به همگان اثبات شود، ماجرای کاهش رشد جمعیت و پیروی سیمای جمعیت کشور شوخی نیست و اگر همه بدتر اینکه با گرفتار شدن در تله جمعیتی و باروری، این کاهش رشد جمعیت قابل جبران نیست.

■ حرکت از ایران جوان به ایران پیر با شوک جمعیتی کرونايي تا همین هفت سال پیش ایران جوان‌ترین کشور دنیا بود، اما با روند کنونی رشد جمعیت کشور تا سال ۱۴۲۰ ایران احتمالاً یکی از سه کشور اول پیر دنیا خواهد بود! این روند کاملاً به این وابسته است که در سال‌های پیش‌رو چه اتفاقاتی بیفتد و حمایت از ازدواج و فرزندآوری چگونه دنبال شود.

اولیال سال گذشته بود که برخی مسئولان کشور همچون محمدمهدی

تندگوین، معاون ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان درباره خطر شوک جمعیتی به‌واسطه بحران کرونا هشدار داد. وی پیش‌بینی کرد در سال ۹۹ بحران کرونا و تبعات آن در توقف ازدواج‌ها و نگرانی خانواده‌ها از فرزندآوری، شوکی جدی به جمعیت وارد شود و حتی دچار فرورفتگی در هرم جمعیتی شویم.

وی در این باره گفته بود: «کرونا بر هرم سنی کشور تأثیر خواهد گذاشت و شاید این آسیب تا ۱۶ سال آینده درک نشود، اما به ناگاه در آینده که ترکیب هرم سنی کشور ناهمگون شود، آن زمان متوجه این آسیب به صورت جدی می‌شویم. کرونا خلیلی برای گروهی از جمعیت ایران ایجاد می‌کند که تا ۵۰ سال با آن دست به‌گریبان خواهیم بود.»

به گفته وی در شش ماه نخست سال ۹۹ فرزندانی متولد می‌شوند که قبل از کرونا شکل گرفته‌اند و در این شرایط سخت متولد می‌شوند، بنابراین در شش ماه نخست سال، کاهش زیادی در مولدین رقم نمی‌خورد. این نگرانی مربوط به پس از کشور یورما است که قطعاً آمار تولد به‌صورت چشمگیری کاهش می‌یابد. تندگوین هشدار داده بود: «اگر در این برهه زمانی چاره‌ای برای آن اندیشیده نشود، شاید در مقاطعی آمار تولدها به یک سوم نیز کاهش یابد. این امر مقوله‌ای به مراتب خطرناک‌تر از کاهش شیب افزایش یا کاهش جمعیت است، زیرا کشور را با یک شوک جمعیتی مواجه می‌کند.»

■ پنجره نیمه باز جمعیتی و فرصتی که از دست می‌رود

هر چند نمی‌توان تقصیر کاهش نگران کننده و تاریخی نرخ رشد

فاصله نذاریم و بحران کرونا هم طبق پیش‌بینی‌های قبلی به بحران کاهش رشد جمعیت دامن زده است. حالا مجلس به میدان آمده و با تصویب طرح جوانی جمعیت و اجرای آزمایشی هفت ساله آن می‌خواهد از پیروی جمعیت و انقراض نسل ایرانی جلوگیری کند، اما هنوز از چند و چون اجرای این قانون خبری نیست و باید دید آیا این قانون اثربخشی لازم را برای اقناع خانواده‌ها به داشتن فرزندانی بیشتر و مهم‌تر از همه تشویق جوانان به ازدواج و فرزندآوری خواهد داشت یا خیر؟

بعطور یقین این مسئله نیازمند ورود جدی و برنامه‌ریزی دقیق است و با صرف توصیه و تأکید شاید نتوان چندان به اصلاح نرخ رشد جمعیت کشور امیدوار بود.

نیاز به نسخه‌ای کارآمد و همه‌جانبه

حالا در بحرانی‌ترین وضعیت جمعیت کشور قانون جوانی جمعیت و تعالی خانواده پس از هفت سال برای اجرای آزمایشی هفت ساله تصویب شده است. این طرح ۷۴ ماده‌ای با بندهای مشوق مالی، اقتصادی و فرهنگی در کنار فراهم آوردن زیرساخت‌های بهداشتی و حمایت از زوج‌های نابارور می‌خواهد ترکیب جمعیتی کشور را از پیروی به جوانی سوق دهد. انظور که اعضای خانه ملت وعده داده‌اند، این قانون بناسات تا همین امسال و پیش از بسته شدن پنجره جمعیتی اجرایی شود. با وجود این شاید مشوق‌هایی همچون اعطای وام ۵۰ میلیونی به خانواده‌هایی که فرزند سومشان متولد می‌شود یا اجرای امر خاصی ۹ ماهه زایمان و همچنین اعطای سهام یک میلیون تومانی به تازه متولدها چندان تأثیری در اقناع زوج‌ها به فرزندآوری نداشته باشد. شاید باید جدی‌تر به حال ۱۳ میلیون جوان در حال عبور از سن ازدواج و مطلقه‌هایی که پیش از داشتن فرزند از همسرشان جدا شده‌اند، هم فکری کرد. زوج‌های نابارور هم ظرفیت بالقوه‌ای هستند که باید در نسخه نجات جمعیت کشور از رشد منفی مورد توجه قرار بگیرند. بدون در نظر گرفتن این موضوعات شاید هیچ نسخه‌ای در درد سقوط جمعیت دوا نباشد؛ به ویژه در ایام کرونايي.

جمعیت را به گردن کرونا ننداخت، اما واقعیت این است که نمی‌توان از اثرگذاری این بیماری بر شدت کاهش نرخ رشد جمعیت هم چشم‌پوشی کرد.

به صدا درآمده است. براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، میانگین سنی جمعیت کشورمان در پایان سال ۱۳۹۹، از ۳۲ سال عبور کرده است. بر این اساس دیگر جمعیت کشورمان چندان هم جوان نیست و به سوی میانسالی و سالمندی حرکت می‌کند و کاهش نرخ رشد جمعیت به کمتر از یک درصد می‌تواند سرعت این حرکت را به سمت پیروی تندتر کند. حالا کرونا هم مزید بر علت شده و وضعیت رشد جمعیت کشور را بیشتر در تنگنا قرار داده است.

در واقع اگرچه آمارهای ازدواج در سال کرونايي حتی نسبت به سال قبل کمی افزایشی هم بود، اما نگرانی از بیماری کرونا، محدودیت در مراجعه مادران به بیمارستان‌ها و در مانگاه‌ها برای انجام مراقبت‌های بارداری به دلیل ترس از ابتلا به کرونا و آینده مبهمی که کرونا آن را تشدید کرده است، در کنار عوامل قبلی کاهش رشد جمعیت قرار گرفته و رکورد کاهش نرخ رشد جمعیت کشورمان را در طول تاریخ شکسته است.

حالا و با عنایت به اینکه تنها حدود ۱۰ (اسال دیگر پنجره جمعیتی کشورمان باز است، فرصت زیادی برای جبران این روند نگران کننده و پیشگیری از سقوط در سیاهچاله جمعیتی کشورمان نداریم، اما

نظر کارشناس

اجرای برنامه صیانت از جمعیت از ۳۰ دیهشت



بالندگی، پویایی و جوانی در جامعه امتیازی بسیار بزرگ است؛ در بحث کووید ۱۹ کشورهایی که سن جمعیتی بالایی داشتند، بیشتر متضرر شدند، بیش از ۸۰ درصد مرگ‌ومیرها در جمعیت سالمندان بود و در ابتدای شیوع کرونا ۶۲ درصد مرگ‌ومیر کشورهای اروپایی در مراکز نگهداری سالمندان رخ داد. مرگ‌ومیر در کشورهایی که میانگین سنی جمعیتی پایین‌تری دارند، نسبت به دیگر کشورها کمتر است.

در سال ۶۳، شاخص ۳/۵ درصد افت می‌کند و در سال ۹۸ به کمتر از یک می‌رسد که این موضوع زنگ خطری برای جوامع مختلف از جمله ایران است. این میزان سرعت در کاهش بسیار بالاست. نرخ باروری کشور در سال ۶۳ تا ۶۸ به ۶/۸ درصد رسید و اکنون نرخ جانشینی جمعیت به زیر یک درصد رسیده است که به‌معنای منفی شدن نرخ رشد جمعیت است، فرزندان در آینده بستگان نزدیک نخواهند داشت.

از سال ۹۵ تا ۹۸ حدود ۲۰ درصد میزان باروری در کشور کاهش پیدا کرده است؛ طی ۲۰ سال آینده ایران جزو پیرترین کشورها در منطقه خواهد شد که این امر بسیار بد است و باید نیروی کار از افغانستان و پاکستان بیوریم چون نیروی کاری در کار نخواهد بود. براساس گزارش‌های دریافتی اجرای برنامه صیانت از جمعیت در روز ملی جمعیت در ۳۰ دیهشت ۱۴۰۰ در سراسر کشور آغاز خواهد شد که در تلاش هستیم برنامه عملیاتی صیانت از جمعیت و اخذ تأیید ملی تا فروردین ۱۴۰۰ تدوین و نهایی شود، برنامه را پس از آغاز، هر شش ماه پایش و سالانه ارزشیابی کنیم.

علیرضا نیسی
معاون بهداشت و وزیر بهداشت

عوامل اقتصادی، فرهنگی و پدیده کرونا عامل سقوط آزاد جمعیت



نرخ رشد جمعیت متأثر از سه متغیر مولد، مرگ و میر و مهاجرت است که با توجه به در اختیار نداشتن آمار دقیق از مهاجرت، محاسبات ما براساس همان دو شاخص اول انجام می‌شود.

طبق این آمارها، بیماری کرونا بر هر دو متغیر مولد و مرگ و میر سال ۹۹ تأثیر گذاشت و با کاهش تولدها و افزایش فوتی‌ها، نرخ رشد جمعیت نیز متأثر شده. با این حال فقط کرونا در کاهش نرخ رشد جمعیت مؤثر نبوده، بلکه بحران اقتصادی، تغییر سبک زندگی و تغییر فرهنگ و نگرش خانواده‌ها هم در آن تأثیرگذار بوده و ادامه شیب نزولی جمعیت قابل پیش‌بینی است. در سال ۱۳۹۸ نرخ رشد جمعیت کشور ما حدود ۰/۹۵ درصد بود و در سال ۱۳۹۹ به نرخ رشد جمعیت ۰/۶ درصد سقوط کردیم و این کمترین مقدار نرخ رشدی است که در تاریخ کشورمان ثبت شده است!

نرخ رشد ۰/۶ درصد زنگ خطری است که به صدا درآمده و عوامل زیادی همچون عوامل اقتصادی، فرهنگی و همین‌طور پدیده کرونا باعث ایجاد آن شده است؛ در سال ۱۳۹۹ همچنین شاهد بودیم که نرخ باروری کشورمان به کمتر از ۱/۶ فرزند به‌ازای هر زن رسید، ما در این موضوع هم در حال ثبت رکورد هستیم.

نرخ باروری ۱/۶ فرزند کمترین میزان در طول تاریخ کشور است، ما نگرانیم که نرخ باروری در تله باروری گرفتار شود، به‌طوری‌که دیگر امکان جبران آن را از دست بدهیم.

صالح قاسمی
دبیر مرکز مطالعات راهبردی جمعیت

پیش‌بینی افزایش ۱۵ برابری رشد سالمندان نسبت به مولدین



آمارهای تولد بعد از سال ۹۵ در کشور دچار شیب کاهش شده‌اند. در دهه‌های قبل از سال ۹۰ سالانه حدود ۲ میلیون نفر به جمعیت ایران افزوده می‌شدند، درحالی‌که امروزه به دلیل کاهش زاد و ولد در کشور قدر مطلق رشد جمعیت کاهش یافته است. در حال حاضر نرخ رشد جمعیت کشور هر ساله کاهش می‌یابد و حدود ۹۵۰ هزار نفر در سال به طور میانگین به جمعیت کشور افزوده می‌شوند.

نرخ رشد جمعیت مطلوب برای جامعه ایران رقمی حدود ۲/۴ فرزند نسبت به جمعیت است. روند کاهش تولدها در کشور باعث می‌شود تا در سال‌های آینده میزان مولدین سالانه به رقمی کمتر از ۹۵۰ هزار نفر در سال برسد. آمارهای جمعیتی موجود باعث می‌شود تا چند سال آینده میزان مرگ و میر در کشور فشارهای بیشتری گرفته و نرخ جمعیت به نقطه منفی برسد. حدود ۱۰ درصد از جمعیت ایران بالای ۶۰ سال سن دارند، اما میزان جمعیت بالای ۶۰ سال در آینده‌ای نزدیک رشد چشمگیری به خود می‌گیرد و بر همین اساس جامعه با ورود به دوران جدید متحمل فشارهای زیادی خواهد شد. افزایش تعداد افراد بالای ۶۰ سال در کشور فشارهای بسیاری را به صندوق‌های بازنشستگی آورده و در نهایت منجر به کاهش نرخ رشد اقتصادی کشور می‌شود. اکنون نرخ رشد سالمندان کشور پنج برابر نرخ رشد افراد متولد شده است و با این آمارها انتظار داریم در سال‌های ۱۴۱۰ تا ۱۴۱۵ که نرخ رشد جمعیت به صفر و حتی منفی شدن میل پیدا می‌کند، رشد سالمندان نسبت به مولدین تا ۵ برابر افزایش یابد.

محمدجواد محمودی
رئیس کمیته مطالعات و پایش سیاست جمعیتی شورای عالی انقلاب فرهنگی

یادداشت



چالش‌های تک فرزندان: که مهارت‌های زندگی را بلد نیستند

کاهش شدید جمعیت کشورمان از دهه ۷۰ آغاز شد؛ یعنی درست همان زمانی که قانون تنظیم خانواده در مجلس تصویب و بنا شد سیاست‌های تحدید جمعیت در کشور به شکلی سفت و سخت اجرایی شود، کاهش جمعیت کشور آغاز شده بود. به همین خاطر هم است که اغلب متولدین دهه ۷۰ تک فرزند هستند و یا نهایتاً در خانواده‌ای با دو فرزند متولد شده‌اند.

شعارهای جمعیتی دهه ۷۰ «فرزند کمتر، زندگی بهتر» و «یکی خوبه، دو تا بسه» بود و در جو فرهنگی ایجاد شده در کشور، خانواده‌هایی با تعداد فرزندان بیشتر علاوه بر تنبیهاتی همچون صدور نشدن دفترچه بیمه برای فرزند سوم به بعد، با فشار فرهنگی ناشی از باور به داشتن فرزند کمتر و معرفی خانواده‌های پر جمعیت به‌عنوان خانواده‌هایی سطح پایین مواجه بودند.

همین فشارهای فرهنگی در کنار سخت‌تر شدن شرایط و بالا رفتن سطح توقعات زندگی و ورود به سبک زندگی مصرفی و جور نبودن دخل و خرج خانواده‌ها و در یک کلام چالش‌های اقتصادی خانواده‌ها را قانع کرد که فرزند کمتر لاقل می‌تواند از درسهای زندگی مصرفی جدیدشان در دوران سازندگی بکاهد؛ دورانی که سراغ تغییرات عمیق فرهنگی و سبک زندگی مردم کشورمان بود و در همه زمینه‌ها حتی ماجرای رشد جمعیت کشور آثاری ماندگار داشت.

رفته‌رفته اما این تفکر و طرز نگاه و غلبه خانواده‌های کوچک و کم‌جمعیت با یک یا نهایتاً دو فرزند تمات کلان اجتماعی و کاهش چشمگیر رشد جمعیت را در پی داشت و هم در حوزه زندگی فردی و خانوادگی تک فرزندان، زندگی شخصی و خانوادگی‌شان را تحت تأثیر قرار داد.

طبق آخرین آمارهای منتشر شده دهه‌های ۵۰ در آمارهای طلاق و جدایی رکورددار هستند.

براساس آمارهای سازمان ثبت‌احوال کشور، ۱۳/۳ درصد از ازدواج‌های صورت گرفته بین سال ۹۱ تا ۹۷ به طلاق ختم شده و ۲/۸ درصد از این زوج‌های طلاق گرفته فقط یک سال زندگی کرده‌اند. به تعبیری، میزان طلاق ثبت شده نسبت به ازدواج‌های ثبت شده حدود ۲۰ درصد و میانگین سنی طلاق ۲۵ تا ۲۶ سالگی است؛ یعنی نسل ازدواج‌هایی که به طلاق ختم شده به دهه هفتادی‌ها رسیده و حدود نیمی از ازدواج‌های زنان که منجر به طلاق شده‌اند، مربوط به دهه هفتادی‌هاست.

از سوی دیگر در مجموع بارشده آمار طلاق و جدایی مواجهیم؛ یعنی دهه هفتادی‌ها بیشتر از متولدین دهه‌های قبلی خود توانایی سازش و ادامه زندگی مشترک را ندارند و راحت‌تر زندگی‌شان را به پایان می‌رسانند، حتی اگر کمتر از یک سال زندگی مشترک را تجربه کرده باشند.

شاید بتوان ریشه این سازگار نبودن و نداشتن مهارت زندگی را که منجر به کوتاه شدن عمر زندگی مشترک و افزایش جدایی و طلاق دهه هفتادی‌هاست، در خانواده‌های کوچک و هسته‌ای و تعداد کمتر فرزندان و حتی تک فرزند بودن بخش قابل توجهی از متولدین این دهه جست‌وجو کرد و انتظار داشت چنین روندی در دهه‌های بعدی تسلط تفکر تک فرزندی ادامه یابد.

اگر کمی دقیق‌تر نگاه کنیم تک فرزندی تنها روی جمعیت اثر نداشته و آثار و تبعات شخصی و خانوادگی این پدیده هم نسل تک فرزندان را با چالش مواجه کرده است. در واقع فرزند کم اصول تربیتی را هم به هم می‌ریزد و کاهش جمعیت و تک‌فرزند عوارض اجتماعی بسیاری دارد.

ساختارهای خانوادگی و برخی نقش‌های خانوادگی همچون دایی، عمه، عمو و خاله در خانواده‌های کم‌جمعیت و تک فرزند در عمل وجود ندارد و تک فرزندان به دلیل آنکه اکنون توجه خانواده هستند و خواهر یا برادری ندارند، در زندگی کمتر با چالش مواجه شده‌اند و رانکارهای حل مسئله و اختلاف با دیگران را به خوبی نمی‌شناسند و در طول زندگی خود آن‌ها تمرین نکرده‌اند. همین مسئله هم موجب می‌شود تا این افراد در زندگی ناشیوبی خود هم نتوانند با همسرشان به راحتی کنار بیایند و مهارت‌های زندگی مشترک و تعامل با فردی دیگر را بلد نیستند. در نتیجه شاهد آن هستیم که متولدان این دهه وقتی با همسرشان به چالش برمی‌خورند به راحتی و در کوتاه‌ترین زمان ممکن جدایی را به‌عنوان راه‌حل انتخاب می‌کنند. بدون آنکه به خودشان و همسرشان فرصت بدهد لاقل بیبیشتر از یک سال زیر یک سقف زندگی کنند.